

جشنی برای همه

از امیرالمومنین نوشتن حقیقتا سخت است ، خواننده اگر در ایران باشد یا خارج ایران قصه فهمش فرق میکند

اعتراف به این موضوع که در داخل ایران ما گرفتار جدی درجاتی از غلو در شیعه گری هستیم ، اسان نیست. اینکه بعد از صدها سال ، مجددا این فرقه در بین شیعیان قوت گرفته اند واقعا ترس آور است و اسباب شرمندگی

چگونه میفهمیم این موضوع را؟

کافیست از امروز وقتی بگذارید و بخشهایی از نهج البلاغه را مطالعه کنید تا بفهمید افراطی گری بعضی اطرافیانمان که حاصل چه روندیست.

1- واکنش نسبت به افراطی گری وهابی

چهارسال قبل در مدینه بودم و کلی کتاب و خطابه و بروشور علیه شیعیان منتشر میشد (کمتر از سه چهار ماه بعدش داعش رسماً اعلام موجودیت کرد) طبیعیست که طلاب شیعه نیز تصور میکنند لازم است جنگی اعتقادی را ادامه دهند و اگر ننویسند شیعه از بین خواهد رفت. این ناشی از این است که برخی از پیروان حضرت علی(ع) میپندارند گروهی اضافی در مسلمین هستند که هی باید حلال زادگی مذهب خود را اثبات کنند که قطعاً چنین نیست و شیعه نباید در چنین تله ای سقوط کند.

2- شیوه ای برای هویت یابی

افراطی گری راهیست تا افراد هویت تازه ای برای خود دست و پا کنند تا در معادلات حساب شوند. امروزه که طرز دین ورزی در تعیین وضعیت سیاسی و اجتماعی افراد نیز موثر است میتوان مثل مقتدی صدر در عراق یا بعضی افراد در ایران با افراطی گری در هیئات مذهبی توسط مداحان هدایت شده ، ایجاد طبقه اجتماعی سیاسی کرد و کار و شغل دست و پا کردو حتی سفارت اشغال کرد و تو بازی سیاسی سری داشت

چه باید کرد؟

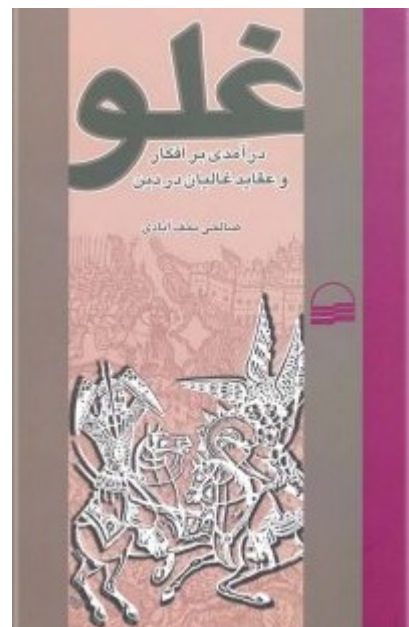
1- مطالعه : با کتاب غلو مرحوم آقای صالحی نجف آبادی شروع کنید ، فرصت بهتر داشتید هیچ چیز به اندازه کلام امیرالمومنین تعیین نمیکند حد ایمان و شیعه گری چقدر است.

2- مراقبت از ذهن فرزندانمان که شور بی آگاهی در بعضی محافل مذهبی آنها را شستشوی مغزی ندهد. هویتی که افراطیون به فرزندان ما میدهند میتواند بسیار سمی باشد و لازم است قبل از این مفاهیم با آموزش اخلاق و تاریخ صحیح اسلام ، فرزندانمان را در برابر این القائات مصون کرد.

مبارکی عید غدیر زمانی درخشان میشود که ما مردمی مسوول تر بشویم و گرفتار افراط و تفریط در دین
ورزی نشویم

علیرضا شیری

[لینک کتاب](#)



**پس از قتل آتنا اصلانی چگونه از بقیه محافظت
کنیم (پیشنهاد به پلیس)**



درسهای قتل آتنا برای نجات بقیه

یکی از مشهورترین ستارگان موسیقی راک انگلستان Gary Glitter سالها در پوشش محبوبیت به پدوفیلیا (بچه بازی) آلوده بود. اولین بار 54 عکس ممنوعه از کودکان در سال 1992 وقتی به یک مغازه رفته بود تا لپ تاپ توشیبای خود را تعمیر کند توسط مهندس تعمیرکار در کامپیوترش کشف شد و به پلیس گزارش شد و او 4 ماه به زندان رفت. زنان زیادی ابراز داشتن که در سنین کودکی توسط او آزار دیده اند ولی او موفق شد در دادگاه به خاطر شواهد ناکافی، در برود. با شهرت تخریب شده اش قایقی خرید و به کوبا رفت و بعد که دید نمیتواند به خاطر قوانین وقت کوبا، از تجارت سکس بهره ببرد به کامبوج رفت و در کامبوج به خاطر رفتار جنسی با دو دختر 10 و 11 ساله اخراج شد به ویتنام و بعد تایلند و نهایتا به لندن آورده شد. من آن روزی که در آگوست 2008 به لندن آورده شد دقیقا یادمه، تمام اخبار و روزنامه ها او را نشان میدادند که مجبور شد در پلیس در بخش آزارگران جنسی ثبت نام کند و همه مردم با نفرت اجازه زندگی اجتماعی بهش نمیدادند (هر چند درآمد آلبومهایش به اطر پخش در مراسم ورزشی آمریکا کم نبود) اما در انگلیس به خاطر آزار جنسی سه کودک 11-12-10 ساله محکوم شد.

وقتی اخبار مربوط به کشف قاتل آتنا را میخوانیم متوجه میشویم این آدم سابقه تجاوز به عنف و کودک ربایی داشته!

تاسف بر صنفی که به این آدم مجوز کار داده، والله ما با اینهمه دک و پز استاد دانشگاهی و پزشکی و... برای مجوز نشرمان گواهی سوء سابقه دادیم، چطور این جنایتکار رنگرزی داشته؟ این آدمها باید نفی بلد بشوند، تا آخر عمر نظارت بشوند، هر روز باید به پلیس خودشان را معرفی کنند، با پابند الکترونیک حرکت کنند... نه اینکه راحت به کسب و کار بپردازند و دلبستگان مردم مقابل چشمان کثیفش قرار بگیرند

خواهش میکنیم از دستگاه قضایی و انتظامی که یک پروفایل تشکیل دهند برای کلیه افرادی که با سوابق کودک ربایی و تجاوز و آزار جنسی متاسفانه آزادند که همه مونیتور روزانه بشوند.

این باعث برگشت اعتماد مردم، خانواده ها به امنیت عمومی میشود.

ممنون میشوم این پیام را منتشر کنید، شخصا نیز به دست دوستان قوه قضاییه خواهم رسانید

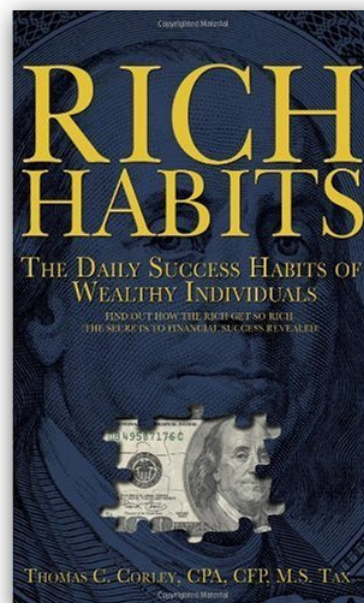
دکتر شیرینی

بیست عادت‌ی که توانگران هر روز دارند و غیر توانگران ندارند

فرشید در کانادا درس میخواند و برای مدت کوتاهی در ایران آمده و دانشجوی شخصیت سالمتر است. در کمتر از چند ساعت از درج لینک یک [متن خوندنی انگلیسی](#) از Tom Corely در سایت ، ایشان زحمت ترجمه را برای سایر ایرانیانی که هنوز قوت انگلیسی ندارند ، کشید. (خبر خوب اینکه او وبلاگ نویس [دردانه](#) هم هست و متنهای جالبی مینویسد.) از شما ممنونم.

متن تام کورلی درباره عادات ثروتمندان است. من معتقد نیستم که به هر قیمتی باید تن داد به شیوه های فست فودی برای تحول ولی مدل ثروتمندی مبتنی است بر عاداتی که قابل پیاده شدن توسط خیلی هاست و نتیجه بخش نیز هست.

مطالب جالبی که می یابید را برای ما بفرستید تا به اسم خوتون درج کنیم.



Twenty Things the Rich Do Every Day

So what do the rich do every day that the poor don't do

- ۴۴٪ از توانگران سه ساعت پیش از کار از خواب برمی‌خیزند. ۳٪ از غیر توانگران اینگونه‌اند.
- 67٪ از توانگران اهدافشان را می‌نویسند. ۱۷٪ از غیر توانگران چنین می‌کنند.
- ۸۸٪ از توانگران روزانه ۳۰ دقیقه یا بیشتر به دلایل آموزشی یا کاری مطالعه می‌کنند. تنها ۲٪ غیر توانگران چنین‌اند.
- ۶٪ از توانگران می‌گویند چه در ذهن دارند. ۶۹٪ غیر توانگران چنین‌اند.
- 79٪ توانگران ماهانه پنج ساعت یا بیشتر را به ساختن ارتباطات کاری می‌گذارند. ۱۶٪ غیر توانگران چنین‌اند.
- ۸۰٪ از توانگران بر روی رسیدن به تنها یک هدف تمرکز می‌کنند. فقط ۱۲٪ از غیر توانگران اینگونه‌اند.
- ۷۶٪ از توانگران هفته‌ای چهار بار ورزش‌های آبرویک می‌کنند. ۲۳٪ از غیر توانگران این کار را انجام می‌دهند.
- ۵۳٪ از توانگران در حین رفتن به کار به کتاب‌های صوتی گوش می‌دهند. ۵٪ غیر توانگران این کار را می‌کنند.
- ۸۱٪ توانگران یک لیست انجام-شود to-do-list دارند. ۱۹٪ غیر توانگران چنین‌اند.
- 70٪ از توانگران کمتر از ۳۰۰ کالری غذای ناسالم در روز می‌خورند. ۹۷٪ از غیر توانگران بیشتر از ۳۰۰ کالری غذای ناسالم در روز می‌خورند.
- ۲۳٪ از توانگران قمار می‌کنند. ۵۲٪ از غیر توانگران قمار می‌کنند.
- ۶۳٪ والدین توانگر فرزندان‌شان را به خواندن دو یا چند کتاب غیرداستانی در ماه می‌گمارند. ۳٪ از غیر توانگران چنین‌اند.
- ۷۰٪ از والدین توانگر فرزندان‌شان را در ماه به ۱۰ ساعت یا بیشتر کار داوطلبانه می‌گمارند. ۳٪ از غیر توانگران چنین‌اند.
- ۸۰٪ از توانگران تماس‌های تلفنی تولدت-مبارک می‌گیرند. ۱۱٪ از غیر توانگران چنین‌اند.
- ۶۷٪ توانگران روزانه یک ساعت یا کمتر تلویزیون می‌بینند. ۲۳٪ از غیر توانگران چنین‌اند.
- ۷۴٪ از توانگران روزانه عادت‌های خوب موفقیت را به فرزندان‌شان می‌آموزند. ۱٪ از غیر توانگران اینگونه‌اند.
- ۸۴٪ از توانگران معتقدند عادت‌های خوب فرصت‌های موفقیت را می‌سازند. ۴٪ از غیر توانگران اینگونه‌اند.
- ۷۶٪ از توانگران معتقدند عادت‌های بد، بدشانسی می‌آورند. ۹٪ از غیر توانگران اینگونه‌اند.
- ۸۶٪ از توانگران به رشد شخصی آموزشی در طول زندگی معتقدند اما تنها ۵٪ از غیر توانگران چنین‌اند.

▪ ۸۶٪ از توانگران عاشق نوشتن هستند اما تنها ۲۶٪ از غیر توانگران اینگونه‌اند.

فرهنگهای خوب : در این شهر وکیل بیکار است.

#فرهنگهای خوب : مهسان تجربه اش را از سوئد برایم نوشته ، من هم به نیت اینکه بخشهای خوبشان را بازآفرینی کنیم ، اینجا منتشر میکنم :

تنها وجه تشابه یکی از شهرهای سوئد با تهران این بود که مردم روی دو تا پاشون راه می رفتن!
[۴۴] در شهری که من رفته بودم اگر کسی بخواد دانشکده حقوق درس بخونه بیکار می مونه! دادگستری تعطیله! دعوا نمیکنن یا کمتر از این مسائل کشدار دارند (یادم افتاد آقای شاهرودی که رئیس وقت قوه قضاییه بودند ، در سفر به هندوستان متوجه میشوند که تعداد پرونده های هند با جمعیت میلیارديش معادل تعداد پرونده های کشور ایران است- شیری)

[۴۴] آخرین حادثه ی شهرشون سه ماه پیش اتفاق افتاده بود که اتوبوس شهری تصادف کرده بود با یه میله ! و روزنامه ها نوشته بودن! و البته هیچ اتفاقی برای هیچ کس نیفتاده بود!
[۴۴] در خونه ها قفل نبود! در ماشین ها خیلی وقت ها قفل نبود! دوچرخه های افراد در همه جای شهر بدون قفل و زنجیر سرچایشان می ماندند!

[۴۴] بیشتر چهارراه ها تبدیل به میدان شده بودند تا چراغ راهنما کمتر استفاده بشه و ماشین ها کمتر در حالت ساکن بنزین بسوزوند و کمتر هوا آلوده بشه!
بارش برف هرگز موجب تعطیلی مدارس نمی شه!
[۴۴] قطار بین شهری و اتوبوسهای شهری همه اینترنت داشتن.

[۴۴] عابر پیاده در اکثر موارد حتی نگاه نمی کنه که اتومبیلی میاد یا نه! چون همیشه ماشین ها می ایستند! پیرمردها ، پیرزن ها ، معلولین و بیماران سندروم دان مثل تمام آدمهای دیگه به تمام جاهای عمومی و تفریحی می آمدند و پنهان نبودند!
و بسیار تفاوتهای دیگر ...

مهسان



چگونه این دختر ۹ ساله سوری دنیا را شگفت زده کرد

دیشب تو پارکینگ ساختمون رفته بودم و پسرم رسا تو محوطه پارکینگ بود که یه ماشینی استارت زد و همزمان رعد و برقی نیز با صدای نسبتا بلند زد و رسا وحشت زده به اطرافش نگاه کرد و و طفلک بدو بدو هراسان سمت من آمد ؛

وقتی در آغوشم گرفتمش ، قلبم تند تند میزد و به شدت با یادآوری کودکان سوری و یمنی و رنجهای ناگفتنی که پدران و مادران این اطفال میکشند ، مغموم شدم ، غمی که نمیتوان در نظر نگرفت که بین تروریستهای تکفیری و دولتی عصبی از مردمش ، چه گناهی دارند مردم و کودکان

آوای دختری سوری برای کودکان سرزمینش

مسابقه آوازخوانی کودکان عرب این بار با صدای دختری سوری آغاز شد که برای صلح سرزمینش آواز می خواند. «غنا بو حمدان» اهل سوریه با پیام امید و صلح به این مسابقه آمد و اجرای بسیار زیبا و متاثر کننده ای از آهنگ «کودکی مان را به ما بازگردانید» از «رمی بندالی» را به نمایش گذاشت. آهنگ «کودکی امان را به ما بازگردانید» هنگام جنگ داخلی لبنان بین سالهای ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۰ اجرا شد. جنگی که بیش از ۱۲۰ هزار قربانی و کشته به جای گذاشت.

داوران برنامه از جمله نانسی اجرم ستاره لبنانی و مشهور موسیقی پاپ تا حدی متاثر شده بودند که آغاز به همخوانی با این کودک سوری کردند. غنا در میانه آواز کنترلش را از دست داد و گریست و نانسی اجرم در ادامه همراه او شروع به خواندن کرد.

برنامه آوازخوانی کودکان عرب در بیش از ۲۷ کشور جهان پخش می شود و شبکه های مختلفی تحت تاثیر آواز و پیام غنا قرار گرفته اند.

متن ترانه را در ادامه می خوانید. به امید صلح و آرامش برای کشور سوریه:

**ما آمدیم با شما جشن بگیریم
این تعطیلات از شما می پرسیم
چرا هیچ جشن و تزئیناتی نداریم؟**

آی مردم، سرزمینم سوخته است
در سرزمینم آزادی ربنوده شده است
آسمان ما رویا می بینید
و روزهایی را می خواهد که...

آزادی ربنوده شده...

سرزمین من کوچک است

مثل من کوچک است

به ما صلح بدهید

و کودکی مان را به ما بازگردانید

کودکی مان را به ما بازگردانید

به ما صلح دهید...

[اطلاعات بیشتر درباره این کلیپ](#)

شما دلواپسید ، ما هزینه می دهیم !



هزینه دلواپسی شما را ما می دهیم!

“از مولوی به فرزندان این دیار چه یاد می دهیم ؟ مثنوی را در ۲۶ هزار بیت و دیوان شمس را در ۳۶ هزار بیت سرود!”

نفهمیدیم که مولوی اداب عاشقی و بندگی یادمان داده

در زمین دیگران خانه مکن
کار خود کن، کار بیگانه مکن

حافظ را به فال دخترکان و پسرکان شب یلدا تنزل دادیم و نفهمیدیم که درست مثل عصر حافظ، جامعه ما بیش از هر زمانی، نیاز به دریدن جامه ریاکاری تزویر دین به دنیاافروشان دارد :

آتش زهد و ریا خرمن دین خواهد سوخت
حافظ این خرقة پشمینه بینداز و پرو

سعدی را خلاصه کردیم در ” منت خدای را عزوجل... ” و نفهمیدیم که بزرگترین پیام سعدی این بود که
يك صاحب منصب را میتوان پند داد:
تو بر تخت سلطانی خویش باش
به اخلاق پاکیزه درویش باش

دو سه هزار نفر ، به راحتی آبروی کشور و کل شیعه را با غارت سفارت يك کشور مسلمان برده اند، جلوی چشم پلیس باعرضه دیپلماتیک !
میلیونها دلار سرمایه گذاری تجار نگون بخت صنعت گردشگری در خراسان و شمال را که برای جذب توریستهای کویت و سعودی هزینه شده بود ، پودر کرده اند،
حقیقانه با اموال يك سفارت عکس گرفته اند،
در روزنامه های دشمن شاد کنِ شان ، عقده حقارتشان را با تحقیر جیبوتی و... گشوده اند و نژادپرستانه درباره اعراب در شبکه های اجتماعی مینویسند که زشتی بی ادبی شان را نبینند
دلواپس اند و کم سواد و هزینه بی ادبی و بی سوادى شان را ما میدهیم.
اجازه ندهید با طنزهای نژادپرستانه شان در شبکه های اجتماعی ، خسارت وحشتناکی را که به تك تك ما طبقه متوسط تحصیل کرده زده اند، ماس مالی کنند.
بیچاره کشاورزانی که سالهاست به عشقی، هزینه تمتع و عمره ای جمع کرده بودند و الان زیر شعارهای توخالی ارزشی دلواپسان، صدای حسرتشان مدفون میشود ،
اگر بعضی از مسوولین مردد اند ، ما یقین بداریم که برای حفظ این کشور باید دست از اوباش گرایى برداشت .

باید شجاعانه مسوولیت اشتباه خود را پذیرفت و سریع جبران کرد، پذیرش اشتباه و اعلام آن، هر جامعه ای را قوی تر و مورد اعتمادتر میکند.
علیرضا شیری

- [خشونت در جامعه ایرانی چقدر جدی است؟](#)
- [تئوری پنجره شکسته](#)
- [آیا "کرختی اجتماعی" social numbness گرفته ایم؟](#)
- [خروج از دهان تمساح](#)

فرهنگهای خوب: حمام اتوبوسی سانفرانسیسکو

ساماندهی بهداشت شهروندان بی خانمان در شهر، تجلی مفهوم حق بر شهر...
"حمام اتوبوسی برای بی خانمانها"



گاهی خلاقیت و استفاده از ابزارهایی که دیگر کاربری اصلی خودشان را ندارند، باعث می شود اوضاع زندگی برخی از شهروندان یک شهر در شرایط بهتری قرار گیرد. یکی از مشکلات بزرگی که بی خانمانها در سراسر دنیا با آن روبرو هستند، حمام و دوش گرفتن است و بهترین راه حل آن، استفاده از حمامها و دستشویی های عمومی است، اما با رشد تکنولوژی تعداد این ساختمانها در همه دنیا کاهش پیدا کرده و جوابگوی نیاز بی خانمانها نیست.

در سانفرانسیسکو، حدود ۶۵۰۰ بی خانمان وجود دارد که تمام عمر خودشان را در خیابانها می گذرانند و بسیاری از آنها ممکن است حتی سالها از حمام استفاده نکنند. از همین رو موسسه ای به نام "لاوا" بر اساس طرحی که یکی از بازاریاب هایش داده، به فکر انجام کاری برای ایجاد حمام برای بی خانمانها افتاده اند. دونیس سندوال که ایده این طرح از اوست، ایده شکل گیری چنین موضوعی را اینگونه تعریف می کند: یک روز در خیابان راه می رفتم که زنی از کنارم رد شد که بسیار کثیف بود، در همین حال گریه می کرد و با خودش می گفت من هرگز دوباره تمیز نمی شوم! البته شاید این زن در همان لحظه به تمیز شدن فکر نمی کرده و فقط جملاتی را بیان می کرده است، اما من با خودم فکر کردم اگر چنین فرصتی برایش پیش بیاید، چه اتفاقی می افتد.

اتفاق دومی که برای سندوال افتاد، از ای قرار بود که یکی از سربازان جنگ ویتنام را که می‌شناخته در خیابان می‌بیند. او بعد از جنگ حالت‌های روانی پیدا کرده بود و در خیابان‌ها زندگی می‌کرد، اما در ابتدا اصلاً نتوانسته بود او را بشناسد و در وضعیت خیلی بدی به سر می‌برده است. دونیس کارش روی این ایده را سال ۲۰۱۳ با این شعار که «هرکسی حق دارد تمیز باشد» شروع می‌کند. پروژه در ابتدا با یک اتوبوس که توسط شهرداری سان‌فرانسیسکو در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد، شروع می‌شود. یک اتوبوس که تمام امکانات حمام کردن را دارد در جاده قرار می‌گیرد و بعد از موفقیت همان یک اتوبوس، تعدادی دیگر هم اضافه می‌شوند و در نقطه‌های مختلف شهر قرار می‌گیرند.

بعد از دو سال از طرح اولیه، حال یک تیم قوی از افرادی که باور دارند حمام و دستشویی حتماً نباید جای لوکسی باشد، در این موسسه کار می‌کنند تا به بی‌خانمان‌ها این شانس را بدهند که تمیز زندگی کنند. **بی‌خانمان‌ها ممکن است کار نکنند و خانه نداشته باشند، اما می‌توانند تمیز زندگی کنند.**

اتوبوس آبی آن‌ها می‌خواهد تمیزی را برای این افراد به ارمغان بیاورد و امروز هر اتوبوس در هفته میزبان ۲۰۰۰ بی‌خانمان است. این موسسه به دنبال استفاده از منابع موجود برای تبدیل کردن آن‌ها به وسیله‌های قابل بهره‌برداری است و البته شاید این دوش‌ها مشکلات اساسی این بی‌خانمان‌ها را حل نکند، اما موسسه لاوا توانسته به کسانی که به اولین حقوق خودشان دسترسی ندارند، خدمت کند و خودشان به دنبال گسترش این طرح در شهرهای اطراف هم هستند.

urbanthinkers@

با تشکر از خانم ولی پور برای ارسال این بخش به ” فرهنگهای خوب

شما هم از فرهنگهای ایران یا دنیا نکته جالبی دیدید ، حتی الامکان با عکس برایم بفرستید تا یاد بگیرم و به هزاران خواننده فرهیخته هر روز این سایت برسانم dr@doctorshiri.com با ساجکت : فرهنگهای خوب

در صفحه اینستای بنده نیز کلی مطالب جالب هست [alirezashiri#](https://www.instagram.com/alirezashiri)

فرهنگهای خوب- درب بطری



من در ترکیه زندگی می‌کنم و اینجا چیزی نظرمو جلب کرد که خواستم با شما در میون بذارم اینجا تقریباً تو همه خیابون‌ها مکان‌هایی هست برای جمع‌آوری درب‌های بطری پلاستیکی که از این‌ها

جهت بازیافت و تولید صندلی چرخدار برای دوستان معلولی که نیاز دارن ولی توانایی خریدش رو ندارن استفاده می شود.

من با گشتی که تو اینترنت زدم دیدم خوشبختانه چند ماهه که چند موسسه خیریه هم در ایران شروع به انجام این کار کردن و مردم با جمع کردن و تحویل دادن این درب ها به این موسسات هم محیط زیست رو کمتر الوده میکنن و هم یک کار خیر انجام میدن .در زیر لینک سایت این موسسات رو هم براتون میفرستم که شما با مخاطبان زیادی که در ارتباط هستین در میان بگذارید چون این موضوع هنوز فراگیر نشده .

Www.hastamet.com

Www.darebotri.ir

عکسی هم که فرستادم جعبه جمع اوری این درب ها در محل دانشگاهم است .
با آرزوی موفقیت
نازنین گلپایگانی

مطالب ما را در [رادیو توانگری](#) تلگرام دنبال کنید #دکتر_شیری

فرهنگهای خوب- اتریش- به قلم امیر تقوی

مهندس امیر تقوی ، مدیرعامل موفق و جوان [گروه ساعی \(saei group\)](#) است و به طبیعت شغلش در خیلی از کشورهای دنیا رفته است ، نگاه و قلم دلنشینی دارد و ازش خواهش کردم از #فرهنگهای_خوب دنیا برایمان بنویسد که در کشورمان پیاده سازی کنیم.

شما هم هر کدام که چنین تجربیاتی از ایران و خارج ایران دارید برایم بفرستید تا به اسم خودتان منتشر کنیم

فرهنگهای خوب: sub: dr@doctorshiri.com

حکیمی گفته است که تا سایر سرزمینها را تجربه نکنی به شناخت صحیحی از سرزمین خود نخواهی رسید! واضح است که ایران امروز ما با معیارهای روز دنیای معاصر کشور پیشرفته و درجه اولی

خواهد بود و در علل آن نیز هر کسی از ظن خود تحلیلی در آستین دارد و راه حلهایی برای بهبود اوضاع هم در جیب! معمولا این راه حلها هم به کمتر از انقلاب و جنگ و نسل کشی منتهی نمیشود، اما دلیل این فروبستگی بی پایان کار ما در دید کلان هر چه که باشد عمیقا باور دارم بسیاری از خرده فرهنگهای سازنده و صلح آمیز غربی صرفا خرده ای عقل و اندک همتی برای اجرا میطلبند و بس و ای بسا که زمینه ساز رشد فرهنگ کلان ایران ما باشد. کافیتست اندکی دلمان برای کشورمان بپد!

در سفرهای مختلف معمولا کاری که به نقاط مختلف دنیا پیش می آید بعضا مطالبی را در مورد این خرده فرهنگها صرفا برای خودم و نه انتشار مینویسم که این اواخر بخشهایی از آن را در اینستاگرام قرار دادم و بعدا به درخواست دوست عزیزم علیرضا شیری قول دادم تا برخی از این نوشته ها را برای نشر در اختیارش قرار دهم و نوشته حاضر اولین از این سری نوشته ها خواهد بود.



تابستان 1393 – اتریش

همزمان با ارتقای سطح رفاه در ایران بطریهای PET برای بسته بندی و فروش آب معدنی بسیار متداول شده و هر یکی از ما روزانه چند تایی بطری خالی روانه زباله میکنیم! بطریهایی که قابل بازیافت هستند در طبیعت هم تجزیه نمیشوند. تخریب محیط زیست، زشتی چهره اماکن عمومی، حیف و میل شدن مواد قابل بازیافت گرانقیمت هم نتایج این بی خردی هر روزه ماست. در کشوری با 80 میلیون جمعیت خدا میداند که هر روز چه تعداد از این بطریهای خالی را که به نوعی پول محسوب میشوند در طبیعت رها میکنیم!



در بسیاری از کشورهای اروپایی مبلغی حدود نیم یورو به عنوان عوارض محیط زیست روی هر بطری از مشتری دریافت میشود و مشتری پس از مصرف در صورتی که بطری خالی را به دستگاههای مربوطه یا فروشگاهها تحویل دهد مبلغ عوارض را پس میگیرد! اینگونه است که مصرف کننده بی مبالا از پیش مورد جریمه قرار گرفته است و مصرف کننده متعهد هم با پس دادن بطری زیانی نمی بیند! مواد بطری هم بازیافت شده و به چرخه مصرف بازمیگردد. از طرفی تعداد زیادی از افرادی که قبلا گدایی میکردند در به در به دنبال این بطریها میگردند و عملا نقش زباله جمع کن آزاد را برای محیط زیست بازی میکنند و دستمزدشان را هم نقدی از دستگاه اتوماتیک دریافت میکنند! واقعا سازمان محیط زیست و شهرداریها همین یک کار ساده را اگر بتوانند برنامه ریزی و مدیریت کنند صرفنظر از منافع زیست محیطی چقدر صرفه اقتصادی در بر خواهد داشت؟ راه انداختن یک کمپین حفاظت از محیط زیست بر مبنای بازگشت بطریها به کارخانه ها برای برندهای تولید کننده و حمایت مردم از این کمپین واقعا کار سختی است یا ما خیلی بی حالیم؟

صفحه مهندس امیر تقوی در اینستاگرام : #Amh_taghavi

به فرزندانمان چه بگوییم ؟

نزدیک خونه هیاتی برپاست ، تاکسی نگه میداره پیاده بشم ؛ چشمم می افته به ۴ دختر ۱۵-۱۶ ساله که دارن تو عالم نوجوانی شون عکس فیس بوکی میگیرند ، سرهاشون را با لبخندی دلنشین خم کرده اند به سمت هم که تو کادر جا بشوند و همه شون هم سیاه پوشیده اند و شاید روحشون هم خبر نداره که شب تاسوعای حسین بن علی ، شب آیینی بزرگتر است که بخواهیم اینگونه ثبت خاطره کنیم

به فرزندانمان چه گفته ایم که همه حسین(ع) برایشان بیش از یک دور همی ده شبه نیست ؟



همسایه ما در عراق نیروگاه میسازد ، قراره من را هم یکبار با خودش بیره نجف و کربلا. گاهی اوقات که برام خاطره ای میخواد بگه ، به دور دست خیره میشه و دست در موهای سپیدش میکنه مهندس و با تاسف از کربلایی میگه که هنوز بعد ۱۰ سال از سقوط صدام برق درست و حسابی نداره...از سیستم معیوب فاضلابی میگه که تا بارون میاد همه لجنهای شهری میاد تو کف خیابونها و آلودگی ومهندس میگه در ایام عزاداری و اربعین و...دهها کیلومتر جاده های منتهی به کربلا مملو از موکبها و چادرهایی در کنار جاده میشود که شیعیان نذر میکنند برای زائران پیاده حرمین شریفین اطعام و محل استراحت و ماساژ و..فراهم کنند که زوار با آسودگی به زیارت بروند...چقدر عشق و چقدر محرومیت ؟ چقدر جای مردان بی ادعایی خالیست که به توسعه عدالت و بهداشت و رفاه عمومی مردمان بیندیشند تا فساد و نا امنی و دزدی و رشوه و اختلاس جمع بشه.



حسین بن علی برای همگان فلسفه قیام خویش را شرح میدهد : الا ترون ان الحق لا يعمل به و الباطل يعمل به ؟ آیا نمیبینید که به حق عمل نمیشود و باطل است که مورد عمل واقع میگردد؟

حسین بزرگوار !

بیا و ببین حقهایی که باطل میکنیم و بطلانهایی که بدان شتاب میگیریم

بیا و ببین برخی سیه پوشان تو در مسند قضاوت ، چه راحت روح خود را به ابلیس فروخته اند و بعضی بانکداران **سیاه پوش** تو چگونه از فردای عاشورا تدبیر میکنند با بیت المال اختلاسهای ۳۰۰۰ میلیاردی بکنند!

بیا و ببین که به اسم تو میتوان در زندگی مردم تجسس هم کرد و به ناموسشان به بهانه ارشاد ، خیره شد و همچنان حسینی ماند! وامحمداه از اینهمه دل خوشی.

حسین عزیز!

حجره تو آیا دریده شد که مردمان شیعه اینگونه بزیند؟

ما لایق شیعیگی تو نبوده ایم ، امروز به هیات تو که می آییم از ترس دزدان و خفت گیران ، قفل گران بر ماشین و منزل خود را میزنیم که سارقان دیرتر بتوانند جیبمان را بزنند و مراقبیم مبادا کارمان به کلانتری **سیه پوش** شده برسد که در آن صورت دیگر امیدی به یافتن مال مان نیست...

مردانی بر لب ، اسم تو دارند و در نوشته های خود تن مردم بیچاره را با تلخ گویی و نقدهای پر کینه میلرزاند و از هر صلحی در هراسند که مبادا این مردم روی رفاهی ببینند

مولایم!

همه دغدغه پیران منابر ما از کودکی این بوده که یک روسری چند سانت حرکت نکند و نفهمیدند که ظلم و رشوه و تهمت و بی اخلاقی، ریشه های یک تمدن را جابجا میکند!

به کودکانمان از تو چه بگوییم ؟ این معصومانی که همه تصویری که تو دارند ، ظرفهای قیمه ایست که چند تا چند تا دارن از در یک خونه میبرند بدهند به چند تا سیر ، بخورند !

چه بگوییم به شیعیانی که برنج تو را از بغضهای تو بیشتر عزیز میدارند . (انما خرجت لطلب الاصلاح فی امت جدی)

حسین عزیز!

به اسم تو در هیاتها بر سر و سینه میزنیم و بر مظلومیت خاندان تو و زینب ات میگرییم ولی بر دختر و مادر و همسر و خواهر خود چنان رفتار میکنیم که گویی خود از آل امیه اند

نام تو را بلندتر از نام نبی اعظم میخوانیم و نمیدانیم که همه قیام تو خلاصه در توحید بوده است. مشرکانه از تو شفا میخواهیم و نمیدانیم الشفاء عند الله و لا موثر فی الوجود الا الله.

از روزی که مفهوم امام را با بت اشتباه گرفتیم ، ابلیس شادی و سرور ایمان را از ما ربود ، امامم به ما کمک کن موحدانه بزیمیم

قربان حنجره خسته ات در امشب تاسوعا بگردم، خسته ای؟ تنهایی؟ دلگیری از ما امت گستاخ؟

- بگذار دستانت را بیوسم مولا که خشکیده از فرط تنهایی ، تنهایی از ورای ۱۴ قرن که اکنون در برابر ریوزگی و بدفهمی ما مبدل به تلخ ترین سکوت میشود
- به تنهاییت قسم ، زندگی مان را میگذاریم که امت تو در صلح و رفاه عدالت و بهداشت و آموزش و دلخوشی و توانگری که شایسته امت محمد است بزیند
- من روزی را میبینم که شیعه کربلا برای ابراز خلوصش به مولا، قلاده بر گردنش نیندازد بلکه سرش را با عزت بالا بگیرد و مسوولانه زندگی کند و افتخار مولایش باشد
- من روزی را میبینم که مداحان با خیال راحت کاری داشته باشند پر از درآمد ؛ غیر از مداحی که به خاطر صاحب مجلس ، حقیقت دین را غلیظ و رقیق نکنند و هر نغمه بی ربطی را وارد آیینهای پاک شیعه نکنند
- من روزی را میبینم که هیچ کسی برای شفای فرزندش زیر صدها کیلو آهن علم نرود و در عوض ، به راحتی و بدون سفارش و پارتی و.. به درمان و بیمه حمایتی دسترسی داشته باشد.
- من روزی را میبینم که کسی به خاطر ابراز عقیده اش به حبس نیفتد ...
- من روزی را میبینم که دختران و پسرانمان به داشتن این دین افتخار میکنند و برای بزرگداشت حسین بن علی ، نیازی به تظاهر نباشند
- من روزی را میبینم که **هاله ای از نور** ابلیس بر دیده این مردمان نتابد و چراغ برهان و خردمندی آفروخته باشد و چشم ابلیس به در آید. من روزی را میبینم که مردم ما فهمیده اند به اسم “منتظر مهدی بودن” نباید با شعورمان بازی کنند.
- من روزی را میبینم که “نگریستن” به نور حسین جای گریستن خالی را بگیرد و “آموزه های” حسین ، قیمتی تر باشند از “موزه” زخمهای حسین
- من روزی را میبینم که در هیچ دادگاهی در کشور شیعه ، مجبور نباشی شماره حساب کارمند متشرع (!) را بگیری
- من روزی را میبینم که فرزندان سراوان و بندرلنگه و گنبد و مریوان و جلفا به ایرانی بودن خود مفتخر باشند و صدای قهقهه های ایشان را با اینکه جسمی از من در آن روز نخواهد بود ، میشنوم که به زبان محلیشان برای عزیزان خود ، **قصه بیداری ما** را خواهند گفت.
- من روزی را میبینم که شیعیگی در ذیل انسان بودن قرار بگیرد و فردیت همه مردمان محترم باشد و دنیا جای بهتری برای زیستن فرزندانمان باشد و فراموش نمیکنم که منتظران حسین او را به قتل رساندند و اینگونه منتظر مهدی (عج) نباشم